

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۴

سبک‌شناسی داستانهای اسماعیل فصیح

(ص ۱۳۵ - ۱۵۴)

ابراهیم رنجبر^۲ (نویسنده مسئول)، ایمان مهری بیگدیلو^۳، خدابخش اسداللهی^۴

، عسگر صلاحی^۵

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۷

چکیده

آثار داستانی اسماعیل فصیح در این مقاله با دید سبک‌شناسی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و پژوهش حاضر در سه بخش عمده ترتیب یافته است: بخش اول مباحث «محتوایی»، بخش دوم «زبانی» و بخش سوم «ادبی». در پژوهش حاضر، سبک داستان نویسی فصیح در بیان واقعگرایانه مباحثی چون ظلمهای ساواک، انقلاب اسلامی، نفت، حملات صدام به ایران، شکنجه زنان، برخی وقایع تاریخی، دین زرتشت، تکریم پاسداران میهن، تقبیح عشرت طلبان متواری از وطن، لزوم ارزشمندی هنرمند، نقش کتاب، روانشناسی، لغتشناسی، غلبه جبر، اقلیت قدرتمند جوامع، عشق، آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی، فرهنگی و اجتماعی و نیز میزان استفاده فصیح از زبان معیار و محاوره، واژه‌های لاتین، اصطلاحات تکراری، عناصر فولکلوریک، ضرب‌المثل، صور خیال و عروض بررسی شده است. به نظر فصیح، مرد اغلب ظالم، و زن در اغلب جوامع، مظلوم است. جبر بر اختیار غلبه دارد. اکثریت انسانها به دست اقلیتی از قدرتمندان وابسته به دولت اسیرند و خلاصه، عموم آدمیان در حسرت آزادیند. فصیح در بین همه مباحث و مضامینش عشق را عنصری محبوب، جاری و همیشه حاضر در کار و بار و گیر و دار آدمیان میدانند.

کلمات کلیدی: سبک‌شناسی، داستان، اسماعیل فصیح، محتوا، زبانی، ادبی.

-
- ۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند
 - ۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز (ranjbar87@gmail.com)
 - ۳ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی (imanmehri@yahoo.com)
 - ۴ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی (kh.asadollahi@gmail.com)
 - ۵ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی (a_salahi@uma.ac.ir)

۱- مقدمه

در تعریف سبک میتوان گفت: «روشی است که شاعر و نویسنده و یا هنرمند برای بیان موضوع یا هنر خود برمیکزیند؛ یعنی شیوه سرودن و نوشتن و ارائه اثر هنری. به بیان دیگر، سبک، حضور شخص است که آگاهانه یا ناآگاهانه در اثرش ظاهر میشود» (نصر اصفهانی و طلائی، ۱۳۹۰: ص ۹۵). سبک نثر، «همچون شعر لزوماً از درون خود آن زاده میشود» (همان: ص ۹۵ به نقل از وستلند، ۱۳۷۱: ص ۱۰۷). سبک «محصول خصلت و سرشت زبان و نیز قالب بیان ایده‌های مسلط در داستان است» (درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی، بینیا: ص ۱۰۱). به دنبال گسترش روابط ایران با جوامع مختلف و به تبع آن «ورود رمان و داستان کوتاه به ایران سبب شد که سبکها (Styles) و گونه‌های مختلفی در ادبیات منثور معاصر زاده شود. این گرایش‌ها حاصل کوشش چند نسل از نویسندگان جوانی بود که وارث ادبیات غنی پارسی بودند» (کارنامه نثر معاصر، عبداللّهیان: ص ۱۹).

اسماعیل فصیح نیز بسته به عواملی چون خصایص ادبیات اقلیمی (جنوب)، تحصیلات عالی دانشگاهی او، تسلط به زبان خارجی، و از همه مهمتر ویژگی هنری ذاتی شخص نویسنده، دارای سبک داستان‌نویسی منحصر به فردی است که آثار او را هم از حیث محتوا و هم از نظر ویژگیهای زبانی و ادبی با سبکی متفاوت از هم‌ردیفانش در منصفه ظهور قرار داده است.

۲- ضرورت تحقیق

با نظر به اینکه آثار داستانی فصیح تا کنون از دید سبک‌شناسی مورد تحقیق قرار نگرفته است، انجام پژوهش حاضر ضروری به نظر میرسد. همچنین با توجه به اینکه اغلب مباحث داستانهای فصیح را اوضاع ایران دوران انقلاب و قبل از آن، تأثیر نفت در پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، مقایسه جامعه ایران و جوامع امریکا و فرانسه و ستایش ضمنی میهن، مظلومیت زن در تمام جوامع و... شکل میدهد، این پژوهش میتواند بویژه نسل سوم را به سمت و سوی یک سری منابع داستانی با محتوای تاریخی، جامعه‌شناسی و نیز روان‌شناسی رهنمون شود.

۳- هدف تحقیق

هدف از تحقیق حاضر، به دست دادن سبک «فکری»، «زبانی» و «ادبی» آثار اسماعیل فصیح است تا گزارشی از ایدئولوژی و محتوای داستانهای او، ویژگیهای نثر این نویسنده و نیز وجوه صور خیال و صنایع ادبی به کار رفته در آثار او به خوانندگان ارائه شود.

۴- پیشینه تحقیق

آناهید اجاکیانس در سری مقالات ششگانه‌اش با عنوان «نظری اجمالی بر آثار اسماعیل فصیح» (۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶) چند داستان او را مورد بررسی قرار داده است. از جمله، در اولین مقاله‌اش (۱۳۷۸) با اشاره به سبک طنزآمیز و هزلگویی فصیح، هر یک از رمانها و داستانهای او را بخشی از داستان طولانی زندگی خود نویسنده دانسته، جنبه واقعگرایی و رنگ و بوی تجربیات شخصی نویسنده را در تبیین ویژگیهای رمان «شراب خام» مورد بحث قرار داده است. اجاکیانس در دومین مقاله (۱۳۷۹)، با نقد سومین رمان فصیح (داستان جاوید)، آن را نوشته شده بر اساس سرگذشتی حقیقی نامیده است» (اجاکیانس، ۱۳۷۹). در مقاله سوم (۱۳۷۹)، تجزیه و تحلیل سیاسی و علت و معلولی فصیح را در متن «لاله برافروخت» میستاید (اجاکیانس، ۱۳۷۹). او در مقاله چهارم (۱۳۸۰)، فضاهای ترسیم شده مناطق جنوبی ایران در رمان «زمستان ۶۲» را در بوته نقد قرار می‌دهد (اجاکیانس، ۱۳۸۰).

مقاله پنجمش (۱۳۸۰) را در نقد رمان «اسیر زمان» فصیح مینویسد (اجاکیانس، ۱۳۸۰)، و بالأخره مقاله ششم (۱۳۸۱) او به بررسی رمان «فرار فروهر» فصیح پرداخته، و با اشاره به ستایش روح و جوهره دین زردشت در آن، تأثیرات این دین را در فرهنگ و ادب ایران بیان میکند (اجاکیانس، ۱۳۸۱). لذا آنچه مد نظر پژوهش حاضر است، تا حال به قلم نیامده است.

۵- معرفی اسماعیل فصیح

«نویسندگان ما هنوز نتوانسته‌اند ادبیاتی بیافرینند که هم توانایی رسوخ در ادبیات عامه را داشته باشد، و هم از ابتذال و سستی دور باشد. هر چند کمتر نویسنده‌ای در جهان موفق به جمع این دو عامل در داستانهایش شده است. اسماعیل فصیح در بین نویسندگان، تنها کسی است که در یکی دو اثر موفق شده است به این مهم نزدیک شود» (داستان‌نویسان معاصر ایران، قاسمزاده: ص ۲۶۵). فصیح «نویسنده‌ای به تمام معنی حرفه‌ای است با داستانهایی به سیاق رمانهای مشهور قرن نوزدهم، که خاصه در روایت و نقل داستانهای پرحادثه و پرفاجعه و پرجاذبه (که خواننده را به دنبال خود میکشد)، صاحب دستی تواناست» (مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران، حقوقی: ص ۲۶۱). میرعابدینی با نسبت دادن عناوینی چون «حرفه‌ای‌ترین رمان‌نویس این گروه (نسل گمشده در درازنای زمان)، نویسنده-ای پرکار و داستان‌پردازی چیره‌دست و...» (صد سال داستان‌نویسی ایران، میر عابدینی: ص ۶۴۷) به فصیح، گوید: «نویسنده‌ای است که گمگشتگی افراد نسلی را توصیف میکند که نوجوانیشان در دهه جوش و خروشهای اجتماعی گذشت. اما تا به خود جنبیدند، سالهای

کودتا فرا رسید و باران فاجعه بر آنها بارید. از سالهای ایمان کورکورانه به دوره بی‌اعتقادی کامل، دوره نابودی خویش در گنجی و شهوت رسیدند» (همان: ص ۶۵۰).

اسماعیل فصیح یکی از پرکارترین نویسندگان فارسی است که به دنبال نویسندگانی چون بزرگ علوی، آل احمد، به‌آذین، گلستان و امثال آنها روی به این هنر آورده است. او در دوره زندگانی هفتاد و پنج ساله خود (از ۱۳۱۳ تا ۱۳۸۸ هـ ش) در ایران، امریکا و فرانسه، با نوشتن رمانهای شراب‌خام، دل‌کور، اسیر زمان، داستان جاوید، ثریا در اغما، درد سیاوش و دهها رمان دیگر و نیز با ترجمه برخی منابع در حوزه روان‌شناسی، نام خود را در ردیف داستان‌نویسان معاصر ایرانی جای داده است. به طوری که، دیدگاههای مرتبط با روان‌شخصیتها در امتداد رمانهای او متبلور است.

فصیح به اعتقاد قاسمزاده «شاید تنها نویسنده‌ای باشد در میان خیل نویسندگان ایرانی که یک دسته شخصیت را در آثار گوناگون وارد میکند و آنها را درگیر ماجراهای گوناگون و حوادث جورواجور میسازد» (داستان‌نویسان معاصر ایران، قاسمزاده: ص ۲۶۶) اما بر خلاف نظر او، در ایران احمد محمود و در ترکیه یاشار کمال نیز دست به چنین کاری زده‌اند. آثار او به گفته اجاکیانس «دارای گیرایی و کشش خاصی است که مدیون سبک ساده و طنزآلود و هزلگویی او و نیز مضامینی است که در داستانهایش مطرح میشوند» (اجاکیانس، ۱۳۷۸: ص ۱۰۱).

آثار فصیح از این قرار است: شراب‌خام (۱۳۴۷)، مجموعه داستانی خاک آشنا (۱۳۴۹)، دل‌کور (۱۳۵۱)، مجموعه داستانی دیدار در هند (۱۳۵۳)، مجموعه داستانی عقد و داستانهای دیگر (۱۳۵۷)، داستان جاوید (۱۳۵۹)، ثریا در اغما (۱۳۶۲)، درد سیاوش (۱۳۶۴)، زمستان ۶۲ (۱۳۶۶)، مجموعه داستانی گزیده داستانهها (۱۳۶۶)، شهباز و جعدان (۱۳۶۹)، مجموعه داستان نمادهای دشت مشوش (۱۳۶۹)، فرار فروهر (۱۳۷۲)، باده کهن (۱۳۷۳)، اسیر زمان (۱۳۷۳)، پناه بر حافظ (۱۳۷۵)، کشته عشق (۱۳۷۶)، طشت خون (۱۳۷۶)، بازگشت به درخونگاه (۱۳۷۷)، کمدی-تراژدی پارس (۱۳۷۷)، لاله برافروخت (۱۳۷۷)، نامه‌ای به دنیا (۱۳۷۹)، در انتظار (۱۳۷۹)، گردابی چنین هایل (۱۳۸۱)، تلخکام (۱۳۸۶) و چندین اثر دیگر در زمینه روانشناسی و ترجمه که نیازی به ذکر نامشان در این مقام نیست.

۶- بررسی سبک‌شناسی داستانهای فصیح

بدین ترتیب به سبک‌شناسی داستانهای فصیح از سه نقطه نظر «محتوایی»، «زبانی» و «ادبی» پرداخته میشود:

۶-۱- بررسی «محتوایی» داستانهای فصیح

نظر به این که هدف اصلی در داستان‌پردازیها عموماً طرح درونمایه یا موضوع خاص مدّ نظر نویسنده است، و با این نگاه که سایر شاخه‌های سبک‌شناسی؛ یعنی زبان و صنایع ادبی به تبع محتوا و در خدمت جان اثر متبلور میگردند، بنا بر آن شده که در این پژوهش ابتدا به بررسی سبک آثار داستانی اسماعیل فصیح از دید درونمایه و ایدئولوژیهای پنهان متن پرداخته شود. چرا که او در پردازش تک‌تک داستان‌هایش نگرشی ایدئولوژیک دارد و بدیهی است که «تجسس هنری، توأم با اصول ایدئولوژیکی است؛ زیرا در این رویکرد، ایدئولوژی است که خطّ مشی فرهنگ را تعیین میکند» (مکتبهای ادبی، سید حسینی: ص ۱۸۴). فصیح برای پردازش آثار داستانش عموماً موضوعاتی همچون نقش و تأثیر نفت، انقلاب اسلامی در ایران، جنگ ایران و عراق و... را دستمایه کار خود قرار میدهد.

بلزی (۱۳۷۹) معتقد است که «ایدئولوژی نظامی از بازنماییها (سخن‌ها، تصویرها و اسطوره‌ها) است که به مناسبات واقعی زندگی اجتماعی مردم مربوط میشود» (عمل نقد، بلزی: ص ۸۲). به طور مثال در اسیر زمان فصیح مسائلی از نوع فقدان امکانات اجتماعی، فقر و اختلاف طبقاتی، فقدان آزادی اجتماعی، وضع نامطلوب زنان، وجود جنبشهای ضدّ حکومتی معترضان، آدم‌کشیهای ساواک، حبس و اعدام آزادیخواهان، فرار رجال مملکت (رک اسیر زمان، فصیح) و... نمود مییابد.

جامعه‌ای که فصیح در «اسیر زمان» در اندیشه انعکاس آن است، محیطی است که با داشتن منابع غنی فرهنگی، تمدن دیرین، صنایع دستی، نفت و... فقیر و بی‌ثبات است و عامل اساسی حاکمیت گرسنگی، ناامنی و دلهره و ترس عمومی در چنین محیطی نیز اقلیتی هستند که به پشتوانگی قدرتهای غربی (امریکا و انگلیس) و با زور اسلحه بر مردم بیچاره حکمرانی میکنند. جهت حرکت قلم اسماعیل فصیح را ایدئولوژی تصویر واقعی جامعه ایرانی در برهه‌ای از زمان، تبیین افکار و رفتارهای ددمنشانه، ظالمانه و فاسد عوامل ساواک، مظلومیت عمومی آحاد جامعه، تصویر فقر، اختلاف فاحش طبقاتی و... شکل میدهد. نیز فصیح تمایل مفرطی به تأویل و تفسیر وقایع تلخ جامعه دارد. اسیر زمان او آینه‌ای است که رفتارهای تلخ، ظالمانه و تکان‌دهنده نیروهای ساواک علیه مردم فرودست را منعکس میسازد.

او در این رمان با تشریح تراژدی «تسلیم شدن شهرناز به ازدواج با سرگرد برای نجات پدر ستم‌دیده‌اش از زندان، که سر عقد هم بله نمی‌گوید، فقط سرش پایین میماند» (اسیر زمان، فصیح: ص ۷۱)، اسیر شدن معشوقه علی به دست یک ظالم دیو سیرت را «سخت‌ترین دردها و محرومیتها برای یک مرد» (همان: ص ۷۱) تلقی میکند و با تشریح جزئیات «تراشیدن موی سر افسانه» (همان: ص ۱۶) و به دنبال آن، «موی سر شهرناز» (همان: ص ۷۶) و «ضرب و شتم او به دست سرگرد ساواکی ددمنش» (همان: ص ۷۸) مینویسد: «نمیتوانم آنچه را که با چشم‌هایم دیده‌ام، توی کله‌ام منفجر نشده نگه دارم» (همان: ص ۷۸). همچنین است وضع و حال امثال مهین حمیدی در رمان شراب خام که به گفته خودش، «مظهر یک شکست تلخ و یک موجود بیچاره است که اینجا در این بندرگاه لعنتی [دنیا] در حال گندیدن است» (شراب خام، فصیح: ص ۱۰۱).

۶-۱-۱- تفسیر روشن مفهوم عشق

عشق در داستانه‌های اسماعیل فصیح مقوله‌ای است که به سبک دلکشی به تصویر کشیده شده است. اجاکیانس در مقاله^۳ (۱۳۷۹)، مبحث عشق را در متن «لاله برافروخت» بدینگونه می‌ستاید که «مضمون عشقی آن بر زیبایی اثر افزوده است» (اجاکیانس، ۱۳۷۹). دو رنگ تاریک و روشن عشق، بخصوص در اسیر زمان تفسیر شده است. در مناسبات خانوادگی این رمان، اغلب جنبه‌های ارزشمند اجتماعی بخصوص معیارهای ازدواج و عشق و علاقه، سلطه کاملی بر افراد دارد و در روابط شخصیت‌ها هیچ سخنی از جایگاه سیاسی و مقام اجتماعی وابسته به آن، نیز بحثی از تأثیر و نقش پول به میان نمیاید. کما این که همین مسأله در ارائه اطلاعات دقیقی در تمایلات پاک جلال و افسانه به همدیگر (اسیر زمان، فصیح: ص ۹۰) یا دل‌بستگی‌های بیربای شهرناز و علی به هم و بی‌توجهی و نفرت علی نسبت به اکبر نفیسی مایه‌دار (همان: ص ۷۱)، سرهنگ و دارای بالاترین، قدرتمندترین و در نتیجه بانفوذترین مقام سیاسی اهواز و آبادان نشان داده میشود. همین مسأله در مقایسه طرز خواستگاری دو مرد از یک دختر به راحتی روشن میشود؛ یک روز علی با شهرناز در گوشه‌ای از هنرستان با عشق و علاقه قلبی و دوطرفه که دارند، به بهانه مضامین یک اثر دکتر شریعتی، آرام حرف میزنند، روزی دیگر هم سرهنگ پس از بازداشت کردن پدر پیر شهرناز و همچنین ضرب و شتم و حبس سیاسی معشوقش علی و با توسل به زور و تهدید (همان: صص ۶۱ تا ۹۶)، آزادی آن دو را مشروط به ازدواجشان طرح کرده و بدین شیوه جنگلی، ظاهراً فکر یک زندگی سعادت‌مند را برایش نوید داده و با او معامله میکند (رک اسیر زمان، فصیح: ص ۶۱).

۶-۱-۲- ویژگی پیوستگی در داستانهای فصیح

همه نوشته‌های فصیح «حتی داستانهای کوتاهش به هم پیوسته‌اند و رمانی طولانی را تشکیل داده‌اند که در آن، نیم قرن زندگی شهری مورد بررسی قرار گرفته است» (صد سال داستان‌نویسی ایران، میر عابدینی: ص ۶۴۷). برای مثال، «مجموعه داستانهای به هم پیوسته «خاک آشنا» (۱۳۴۹) مقدمه‌ای است بر رمانهای «شراب خام» (۱۳۴۵) و «دل کور» (۱۳۵۲)» (همانجا). لذا این داستان در دل کور ادامه پیدا میکند. نیز خود فصیح در مقدمه مجموعه داستانی «گزیده داستانها» (۱۳۶۶) مینویسد: «داستانهای این مجموعه، برگزیده‌ای است از سه کتاب خاک آشنا، دیدار در هند، عقد و داستانهای دیگر» (فصیح، ۱۳۶۶: ص ۳). از مستندات دیگر این است که فصیح «در تمامی داستانهایش به تاریخچه زندگی یک خانواده ایرانی (خانواده آریان) می‌پردازد» (صد سال داستان‌نویسی ایران، میر عابدینی: ص ۶۴۷).

۶-۱-۳- رئالیستی بودن آثار فصیح

یکی از مهمترین مکاتب ادبی جهان که «روی کار آمدن مکتبهای متعدد بعدی نتوانسته است از قدر و اعتبار آن بکاهد» (مکتبهای ادبی، سید حسینی: ص ۲۶۹)، رئالیسم است که «معانی مهارناپذیر دارد» (رئالیسم، گرانت: ص ۱۳). رئالیسم صرفاً نمایاندن زندگی آنگونه که دیده میشود، نیست. رئالیسم «به تصویر آنچه به چشم میاید، قانع نمیشود. بلکه همیشه عوامل و وضعیت اجتماعی را در نظر میگیرد» (رادفر و حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ص ۳۶) و «هدف هنر رئالیستی... این است که ریشه هر چیز را که غالباً زیر لایه‌های زندگی روزانه اجتماعی نهفته است، بکاهد» (رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات، پرهام: ص ۴۵). از خصیصه‌های بارز داستانهای فصیح، واقعگرایی نوشته‌های اوست. او همچنان که در «گردابی چنین هایل» گوید: «واقعیتها بسیار مهمتر از آرزوها و خواسته‌های مردم است» (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۱۳۰)، در جای دیگر نیز گوید: «[زهر] با واقعینی فطری تا حدی مثل خودم بود» (شراب خام، فصیح: ص ۱۴۳). رنگ و بوی رئالیسم، بخصوص شکل اجتماعی آن، در تمام آثار او مشهود است که تطابق موضوعات و اتفاقات و بخصوص تاریخ و زمان وقایع داستانهای نویسنده با وقایع زندگانی شخص فصیح (راوی) محکمترین دلیل بر این ادعاست. به عبارت بهتر، شخصیت خود نویسنده در اثر نمود مییابد. به طور مثال، در رمان «اسیر زمان» جلال با اینکه نمازخوان نیست و در خانه شراب میخورد، حتی با زنان بیوه هم در ارتباط است، اغلب منادی حق و حقیقت است و کارهایی شایسته مقام انسانی انجام میدهد.

۶-۱-۴- تضاد و تقابل

فصیح‌رمان‌پردازی واقع‌گراست. او پرداختن به ناسازگاری‌های موجود در جامعه و تضادهای اجتماعی متقابل افراد و محیط را در این راه برمیکزیند. تقابل و تضاد در اغلب داستانهای فصیح، عنصری است که در بین رگه‌های اصلی موضوعات آثار او مدام خودنمایی میکند که در این میان تقابل شخصیت‌های نماینده دو قشر مرقه و ظالم با طبقه ضعیف و پایین جامعه از همه رایجتر مینماید و همچنان که صمد خزایر در رمان شراب خام فصیح «استاد مسلمی در تزیق هروئین و بی‌ناموس کردن دخترهاست» (همان: ص ۲۹۶)، موضوع اصلی در رمان اسیر زمان نیز تشریح جزئیات تنشها و ناسازگاریهای دو تیپ بزرگ در جامعه است که عبارتند از: ۱. قشر حاکم به نمایندگی ساواک که از نظر فصیح «برآیند همکاریهای نهادهای اطلاعاتی امریکا و انگلستان و اسرائیل است» (اسیر زمان، فصیح: ص ۱۲۸)، ۲. اکثریت مردم معترض که «تحت اعتقادات روحانیون خودشان هستند» (همان: ص ۱۵۵). لذا فصیح در جای جای اسیر زمان از رفاه مفرط «سروان پدر سگ و تضاد توی چشمخور او با علی ویسی» (همان: ص ۲۰) سخن میگوید. در این رمان، سرهنگ اکبر نفیسی، شخصیتی است که با صفات «زد و بندچی و قالتاق» (همان: ص ۲۵)، «ناپاکدین ساواکی» (همان: ص ۱۰۳)، «جونور عجیب و عقده‌ای» (همان: ص ۱۱۸)، «شرو و ضد روحانی» (همان: ص ۱۵۵)، «زالوی پولکی» (همان: ص ۱۶۱)، «جنگجو و غارتگر زنها» (همان: ص ۱۲۰)، همچنین با عادات «رجاله‌بازی و پولپرستی» (همان: ص ۲۶) از او یاد میشود.

در مقابل نفیسی، علی ویسی قرار دارد که «یک جوان ایرانی پاكنهاده و خوزستانی مظلوم است و از لحاظ دینیاری تقریباً یک رستم کوچک» (همان: ص ۲۰). او که «الله هم ورد زبانش است» (همان: ص ۱۱)، مؤمن، «پیرو خط امام [خمينی] و مخالف ظلم و فساد» (همان: ص ۱۹۲)، «خوب و وفادار» (همان: ص ۳۸)، «دوستدار، مخلص» (همان: ص ۸۳) و بالأخره «با روحیه ایرانی خوزستانی و مجاهد: ص ۴۸) است.

بر این اساس، آدمها در عموم داستانهای اسماعیل فصیح به دو دسته بارز خیر و شر (گاهی هم دسته متعادل) تقسیم میشوند. این شفافیت گاهی تا حدی است که مخاطب میتواند آثار او را در زمره ادبیات تعلیمی جای دهد.

۶-۱-۵- سیاست و قدرت

در بررسیهای سبک‌شناسی محتوایی آثار فصیح چنین برمیآید که نیروی حاکم جامعه و عوامل آن، موجب زایش دست کم دو بحث اساسی در مقوله محتوای موضوعات داستانهای

او می‌گردد که مباحث سیاسی (داخلی و بین‌المللی) یکی از این مقوله‌هاست و انعکاس دخالت‌های دول غربی در مسائل داخلی ایران نمونه آن است: «...من می‌خواهم از آخرین تصمیم‌های «کنفرانس گوآدولوپ» که از رادیو بی.بی.سی (BBC) توی راه شنیده‌ام، حرف بزنم، ولش می‌کنم تا او در حال و رؤیای خوب خودش باقی بماند. کنفرانس - که به دعوت ژسکار دیستن و با حضور سران آلمان، انگلستان و دست آخر خود جیمی کارتر برگزار شده، بالأخره به حذف شاه از حکومت فعلی ایران تصمیم نهایی گرفته شده است...» (اسیر زمان، فصیح: ص ۲۲۰).

دیگری بحث قدرت است که نقش مهمی در ایجاد اختلاف طبقاتی ایفا می‌کند. عوامل شاه و کارگزاران دولتی در دو رمان «اسیر زمان» و «شراب خام»، با حیف و میل سرمایه‌های یک ملت و با انحصاری کردن حقوق مردم برای خود، موجبات رفاه خویش و فلاکت عموم را فراهم می‌سازند: نمود قدرتمندی برخی: «صمد خزایر... در رل پادو قلدر یک باند قاچاقچی بین‌المللی... باید پشتش خیلی کلفت باشه» (شراب خام، فصیح: ص ۱۴۳)، یا «نفیسی حالا مست است... اونام اینجا باید پاچه‌هاشونو ور بکشن... یک مشت نیمچه ابرونی خل، یک مشت نیمچه عرب ابرونی ول. باید تنبیه بشن و به کار کشیده بشن. آفتاب که زردی افتاد، تنبل به جلدی افتاد. بعد حالا باید شاهکار چُسان فسانی شبش را هم بزند: یک برگ سیگار از پاکت وینیستون پزشکیان به لب می‌گذارد. یک اسکناس نوی پنجاه تومانی هم از جیبش درمی‌آورد و با آتش زدن اسکناس، سیگارش را روشن می‌کند... اسکناس خاکستر شده را در زیر سیگاری میندازد و می‌گوید: اینجوری کیف و حالش بهتره...» (اسیر زمان، فصیح: ص ۲۷). نمود بیچارگی برخی دیگر (همان: ص ۳۷۸).

الف) آزادی و استقلال فردی و اجتماعی نیز مقوله‌ای است که در تقابل با اسارت و خفقان در اغلب آثار فصیح بخصوص در رمان «اسیر زمان» نمود دارد. مبارزات آزادیخواهانه علی با نیروهای ساواکی در داخل، جانبازیها و اسیر شدن او در حملات صدام به ایران و اسارت شهرناز در چنگ سرهنگ نفیسی (اسیر زمان، فصیح: ص ۷۱) از نمونه‌های آشکار همین بحث است. به عبارت بهتر، درد نویسنده و گمشده او در سطر سطر آثارش آزادی و خلاص از اسارت و مظلومیت است.

ب) جبر و اختیار: بحث جبر و اختیار هم در داستانهای فصیح نمودار است. طرح کار فصیح در رمانهایش متکی بر تأثیر سرنوشت، جبر محیط و وراثت بر اعضای این خانواده، و تحوّل مناسبات اجتماعی زندگی شهری در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ است و «از این نظر،

امیل زولا را در سلسله رمانهای روگون ماکار به یاد می‌آورد» (صد سال داستان‌نویسی ایران، میر عابدینی: ص ۶۴۷). نمونه بارز این مقوله در عبارات «امروز تصمیم گرفتم به دکتری مراجعه کنم ولی وحشت و خوف اینکه ممکن است رازم برملا شود، فوراً منصرفم کرد» (خاک آشنا، فصیح: ص ۹۸)، نیز در تصاحب سرهنگ، نامزد علی را (اسیر زمان، فصیح: ص ۷۱) و در نهایت در مرگ زودهنگام شهرناز بعد از شروع زندگی مشترک و آرام با علی (همان: ۳۶۵ و ۳۶۹) مشهود است که در دو مثال اول وجود اختیار در نوع بشر به اثبات میرسد و در مثال سوم نیز جبر حکمفرما میشود.

۶-۱-۶- زن

زن، پای ثابت نوشته‌های فصیح است و عموماً زن، مظلوم داستان و مرد، ظالم است؛ به عبارت بهتر، بسامد مظلومیت زنان و هنجارگریزی اخلاقی و اجتماعی مردان در آثار اسماعیل فصیح مشهود است. مرد بد حتی در حق مادر خود هم ظلم روا میدارد. شهرناز میگوید: «[سرهنگ] مادر خودشو تو خونش راه نمیده. بیرونش کرد» (اسیر زمان، فصیح: ص ۷۸).

حقارت زن در سبک رمان‌پردازی فصیح تا آخرین درجه ممکن تصویر شده است. علاوه بر مباحثی که میتوان در ارتباط با شهرناز در «اسیر زمان» در قالب یک تراژدی بیان کرد، سرگرد حتی هنگام فرار نیز لباس زن طبقه پایین به تن کرده بود تا به راحتی مورد ترحم یا طمع راننده‌ای قرار گیرد، سوار شود و بدین ترفند از معرکه بگریزد (رک همان: ص ۲۳۶).

این در حالی است که زنان جامعه مورد بحث را دارای ویژگیهایی قابل وصف میبینیم. عزم و اراده راسخ شهرناز در مواجهه با ازدواج تحمیلی با سرهنگ ددمنش ساواکی و بخصوص بی‌توجهی به همسر ناخواسته در روابط زناشویی و در نتیجه باکره ماندنش بعد از تحمل انواع تنبیه‌های بدنی و مشت‌های ناجوانمردانه سرهنگ (اسیر زمان، فصیح: ص ۷۱) ستودنی است، که این خود نشان از وفاداری به عشق پاکش دارد. به‌گونه‌ای که، از دید همین تحمل مشقات برای نیل به آرمانی پاک و فردایی روشن، با قهرمان مرد داستان، یعنی علی، برابری میکند که هر دو در نهایت امر از اسارت و چنگ غاصبان رهایی مییابند.

به نظر میرسد فصیح نیز دیدگاه مثبتی به قشر زن داشته که او (جلال آریان) که راوی داستان و در حکم فردی کاریزماتیک، خیرخواه و دوست‌داشتنی است، خود به اقرار خودش «زندوست» (پارشاطر، ۱۳۷۳: ص ۲۷۱) است. لذا در توصیفها عموماً از زنان سخن گفته است تا مردان.

۶-۱-۷- بیان تأثیر محیط

از شیوه‌های نثر فصیح تلاش برای بیان نقش محیط پیرامون بر آدمیان است. اساساً «تأثیر محیط و جغرافیا بر زبان و سبک نویسندگان، امری بدیهی است، اما تعیین میزان این اثرگذاری و تأثیرپذیری نیاز به مطالعه و بررسی دقیق دارد» (پیروز و ملک، ۱۳۸۹: ص ۱۶۷). تأثیر محیط زندگی بر رفتارهای آدمیان و شکلگیری شخصیت بزهکار یا سالم آنان را نیز میتوان با استناد به رمان «اسیر زمان» یا «ثریا در اغما» به اثبات رساند؛ از زنانی که در جامعه ایران زندگی میکنند، رفتاری بزهکارانه یا حتی گرایش و تمایل به امور هنجارگریزانه سراغ نداریم، مثلاً در «شراب خام» «مهمین اهل این کثافت‌کاریها نبود. مهمین یک خانم بود» (شراب خام، فصیح: ص ۴۵). در حالی که گروهی از همان جنس زنان (به اصطلاح فرنگرفته) بی‌هیچ پروا و ملاحظه‌ای، در جمع مردان محرم و نامحرم هوسرانی کرده یا جام بر جام میکوبند. حتی جلال نیز گهگاهی به پیشنهاد خوشگذرانی و خلوتسازی شبانه با برخی از آنان نه نمیگوید. همان جلالی که اگر خود میخواست میتوانست در جامعه خودی هم، شرعی یا غیر شرعی، ارضای نفس کند. لذا این امر نشانگر تسلیم عاجزانه آحاد انسانی در برابر شرایط و جو محیط اجتماعی است. همچنان که در ارتباط با جامعه ایران، نذر، ابوالفضل (ع)، دعا، مشهد و کربلا از مواردی است که میشود در داخل چهاردیواریه‌های داستانهای فصیح از آنها فراوان شنید.

۶-۱-۸- معرفی انواع کتابها در داستان

از شیوه‌های داستان‌نویسی فصیح این است که در لابلای داستان خود، به معرفی کتابهایی از دیگران نیز میپردازد. او با این کار، خواننده را مدام به سمت و سوی کتابخوانی و مطالعه در وقت‌های خالی شبانه‌روزش سوق میدهد و این تشویق مثبتی است که میتواند از خیلی جهات برای هر مخاطبی مثمر ثمر باشد. برخی آثار ادبی ارزشمند دنیا در طی این رمان، معرفی شده و گاهی هم خلاصه‌ای از موضوعات و مضامین آنها پیش روی خواننده نهاده میشود: دیوان حافظ، دیوان پروین اعتصامی، قرآن مجید (اسیر زمان، فصیح: ص ۳۰۹)، کتاب طاعون اثر کامو (همان: ص ۱۱۲)، ماجرای دختر بلوند چشم سیاه (همان: ص ۱۸)، قصیده آبی، خاکستری، سیاه حمید مصدق (همان: ص ۶۵)، فاطمه فاطمه است مطهری (همان: ص ۶۴)، تولدی دیگر فروغ فرخزاد (همان: ص ۶۴)، «کتاب ابله داستایوفسکی» (شراب خام، فصیح: ص ۳۷)، گلستان سعدی و مثنوی معنوی مولانا، بوف کور هدایت (همان: ص ۶۳)، ده سیاه‌پوست کوچولو (همان: ص ۶۵)، از خاکسترها (همان: ص ۱۷۷)، «آسمون ریسمون»

(گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۶۷)، فتنه آینه، وداع با اسلحه، لبه تیغ، دیوان ایرج میرزا، جنایت و مکافات، پدران و پسران (همان: ص ۱۸۷)، آثار دکتر شریعتی، نیز کتابهایی چون «خورشید همچنان میدمد، سه قطره خون»، کلیات شیخ سعدی (همان: ص ۱۸۷)، «زنگها برای که به صدا در میانند» (خاک آشنا، فصیح: ص ۱۳۱) و ذکر نام شعرا و نویسندگانی با عناوین «فرخ فروغی» (فصیح، ۱۳۸۰: ص ۱۱۴)، «صادق هدایت» (همان: ص ۱۱۵)، همچنین «ادگار آلن پو»، «داستایوفسکی» (همان: ص ۳۷)، «کافکا» (همان: ص ۱۱۵)، «پیکاسو» (همان: ص ۶۱)، «نیچه» (همان: ص ۶۲)، «آلبر کامو» (همان: ص ۶۲). «شیخ اجل شیراز» (همان: صص ۴۳ و ۶۳)، «مثنوی مولانا» (همان: ص ۵۸) و امثالهم.

۶-۱-۹- کاربرد مباحث روانشناسی

فصیح همچنین صاحب تجربه و دانش لازم در علم روانشناسی است. ترجمه کتابهای «بازیها» (روانشناسی روابط انسانی اثر اریک برن)، خودشناسی به روش یونگ، تحلیل رفتار متقابل در رواندرمانی» گویای همین بحث است که در متن داستانهایش نیز اغلب خودنمایی میکند: «در بعضیها حس ششمی هست که بروز واقعه‌ای شوم را از دور احساس میکنند» (دل کور، فصیح: ص ۲).

۶-۱-۱۰- وفور مباحث تاریخی

از سبکهای داستانی‌پردازی اسماعیل فصیح در عموم آثارش این است که آشکار یا مضمراً، به برخی وقایع و اسامی شخصیت‌های تاریخی و ادبی جامعه ایران و حتی جهان برمبخوریم که فصیح بدین وسیله به مضمون آفرینی پرداخته، و از آداب و رسوم، فرهنگ، دردها و آرمانها سخن میگوید، همچون: «کشتی دو سه روز در تنگه جبل الطارق که در دست نیروی دریایی بریتانیای بزرگ بود، لنگر انداخت» (فرار فروهر، فصیح: ص ۴۰۳)، «نادر شاه افشار» (همان: ص ۴۱۲)، «به توپ بستن مجلس» (دل کور، فصیح: ص ۱۰)، «انقلاب کبیر فرانسه... انقلاب ۱۹۱۷ روسیه... تیمور لنگ» (فرار فروهر، فصیح: صص ۳ و ۲)، «شاه سلطان حسین و محمود افغان» (همان: ص ۳۹۹)، «حمله اعراب به ایران... پایان دوره ساسانیان... سپهسالار بزرگ ایران، رستم فرخزاد... جنگ تحمیلی عمر بن خطاب... سعد بن ابی وقاص... جنگ تحمیلی ما به دست صدام حسین علفی... خرمشهر خونینشهر» (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۳۷) ذکر نامها و اصطلاحات تاریخی ایران و جهان واقعینمایی را در این آثار به نمایش میگذارد از جمله «رازی» (شراب خام، فصیح: ص ۳۹)، «مشروطه‌طلبان» (همان: ص ۱۱۱)،

«مظفرالدین‌شاه» (همان: ص ۱۱۱)، «سر در مجلس عدل مظفر» (همان: ص ۱۵۱)، «محمد مصدق» (همان: ص ۱۱۳).

۶-۲- بررسی «زبانی» داستانهای فصیح

نوشته‌های فصیح نیز پا به پای عموم نویسندگان، دارای سبک خاص خود از منظر زبان است که اینجا به نمونه‌هایی از آن پرداخته میشود:

۶-۲-۱- استفاده از زبان معیار و زبان محاوره

هر دو فرم محاوره و معیار زبان در تمام آثار داستانی فصیح کاربرد دارد. بخصوص، او در تمام دیالوگها و عباراتی که از شخصیتها در لابه‌لای سطور داستان می‌آورد، با حفظ همان صورت محاوره زبان عمل مینماید. به عبارت بهتر، در سرتاسر رمان اسیر زمان، هر جا فصیح دیالوگی از شخصیت‌های داستانش را به قلم می‌آورد، لفظ و بیان هر شخص را از هر تیپ و طبقه‌ای که باشند، عیناً داخل گیومه می‌گذارد. حتی گفته‌های خود را نیز (در نقش جلال) در مقام گفتگو، به شکل محاوره می‌آورد: «من که همیشه ساکتیم... هومممم» (همان: ص ۱۸۲)، «خیلی خوب. قهوه‌ت و بخور و یه خرده دیگه‌م از ایده‌آل نوی اسلام حرف بزن» (همان: ص ۱۲۷)، «وضع داره رو به آرومی میره» (همان: ص ۲۱۹)، «زن واسه عیش و خوشیه» (همان: ص ۶۹). همچنین است زبان به کار رفته در داستانهای او که آمیخته‌ای از گونه محاوره و رسمی است؛ یعنی نویسنده در موقعیتهای مقتضی که به تشریح و توصیف دیالوگهای اشخاص داستان می‌پردازد، از بیان سبک قلم خارج شده، به نثر محاوره و طرز گفتار شخصیت‌های اثر روی می‌آورد. این، نمونه‌ای از هر دو سبک در دیالوگی واحد است که راوی می‌گوید: «اگر هنرمندی دنبال تشبث و کسب مال رفت، و تحت تأثیر قرار گرفت، عین یک کتیبه سنگی تاریخی است که ناقص و مخدوش باشد. من البته منگ بودم و نمیفهمیدم. گفتم: بابا، خود هدایتون هم سالها در تهران کار میکرد. نمیدونم کجاها؟ ولی... شنیدم کار میکرد» (شراب خام، فصیح: ص ۱۱۵).

۶-۲-۲- کاربرد انشای کاریکاتوری و قالب طنز

گاهی زبان داستان‌پردازی فصیح، قالب طنز به خود می‌گیرد. به نظر برخی از محققان «استفاده از انشای کاریکاتوری، یکی از ویژگیهای آثار رئالیستی است» (رئالیسم پویا در آثار جلال آل احمد، دهقانی: ص ۷۳). یعنی توأم بودن رمان با طنز از عناصر اصلی رئالیسم اجتماعی شمرده میشود. در «چنین داستانهایی حقایق جامعه به تصویر کشیده میشوند» (کیومرثی، ۱۳۸۹: ص ۸۱). به بیان دیگر، «نویسنده برونگرا مسائل و مشکلات افراد را به

گونه‌ای طنزآمیز ارائه می‌کند تا با مضحکه کردن آنها بر اهمیت و عمق مطالب، صحه بیشتری بگذارد» (شیوه تحلیل رمان، پک: صص ۱۱۶ تا ۱۱۹، با تلخیص) و این از شیوه‌های فصیح در پردازش داستان است. فصیح گاهی از سبک عادی نگارشی به شیوه انشای کاریکاتوری و برجسته کردن مباحث روی می‌آورد: «پس از مدتی بربر نگاه کردن، مرا به جا می‌آورد... منهای کراوات ولی با موهای سفید» (همان: ص ۳۹۵).

۶-۲-۳- وفور برخی واژگان و اصطلاحات تکراری

به نظر می‌رسد که شیوه تکرار این گونه واژگان مختص نویسندگی فصیح باشد. او از واژه «کذابی» به وفور استفاده میکند (برای نمونه، شراب خام، فصیح: ص ۳۸)، (اسیر زمان، فصیح: ص ۱۴)، (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۱۵۹) و (فرار فروهر، فصیح: صص ۲۰۹ و ۲۱۰). همچنین است استفاده از مشتقات «لغزیدن» (برای نمونه دل کور، فصیح: ص ۲)، «ولنگ و باز» (فرار فروهر، فصیح: ص ۴۹۳)، «بدم نماید» (فرار فروهر، فصیح: ص ۲۰۶)، عبارت «الا یا آیها السّاقی» (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۶۲)، (در انتظار، فصیح: ص ۱۱۱). نیز در نوشته‌های او اصطلاحات مرتبط با دین زرتشت بسامد بالایی دارد (فرار فروهر، فصیح: صص ۱، ۲۱۳ و ۳۹۹)، «اهورا اهورا می‌کنم» (همان: ص ۵۰۰)، «آتشکده» (همان: ص ۵۰۱) و مواردی از این دست.

۶-۲-۴- پرداختن به لغت‌شناسی

یکی دیگر از سبک‌های فصیح این است که جای به جای رمان‌پیش به طور مفصل به نقد تاریخی، ریشه‌شناسی و معنی کردن برخی واژگان می‌پردازد: «تصدیع یا اشتغال ذهنی» (فرار فروهر، فصیح: ص ۵۰۰)، «میدونی اسم جزیره عبادان شما قبل از حمله اعراب به ایران چی بوده... شنیدم اسم جزیره در زمان ساسانیان آپابان بوده... آپابان به معنی نگه‌دارنده آب. آپا به معنی آب. بان هم که در فارسی باستان پساوندی به معنای نگه‌دارنده مثل نگهبان، پاسبان، مرزبان، باغبان. آبادان جزیره‌ای است بین سه رود کارون، بهمنشیر و اروند» (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۳۷)، «خیال می‌کردم کلمه Trust به معنای اعتقاد و اعتماد است... تا متوجه شدم در فرهنگ اقتصادی بریتانیای کبیر به معنای بورس سهام سازمان‌های پس‌انداز و درآوردن مطمئن پول است» (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۱۳۱)، «میدانم در فرهنگ معین، واژه فیس به چه معنی آمده است» (اسیر زمان، فصیح: ص ۲۷).

۶-۲-۵- کاربرد اتباع

کاربرد «مشروب پشروب» (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۱۶۷)، «پته و پوته» (شراب خام، فصیح: ص ۱۴۳)، «پیر و پاتال» (همان: ص ۱۴۷)، «هذا و کذا» (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۷۹)، «پاره پوره» (فرار فروهر، فصیح: ص ۴۱۲)، «جیغ و ویغ» (همان: ص ۴۹۱)، «سوراخ و سمبه» (همان: ص ۴۹۳)، «سر و کله» (همان: ص ۴۹۴)، «گوشه موشه» (همان: ص ۴۹۶)، «اجق و وجق» (همان: ص ۵۰۲) و امثال اینها.

۶-۲-۶- استعمال واژه‌های لاتین

«Critical» (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۲۰)، «Please» (همان: ص ۲۱)، «Pathetic» (در انتظار، فصیح: ص ۷۵)، «Chronic» (همان: ص ۲۵)، «Take off» (فرار فروهر، فصیح: ص ۴۹۰).

۶-۲-۷- کاربرد برخی صورتهای زبانی بدیع

از قبیل «زودترک» (فرار فروهر، فصیح: ص ۴۰۲)، «خوش خوشک» (همان: ص ۵۰۱) و مانند آن.

۶-۳- بررسی «ادبی» داستانهای فصیح

در این بخش میتوان به دنبال پاسخ این سؤالات بود که «مؤلف از صناعات لفظی بیشتر سود برده یا معنوی؟ از استعاره (و کدام نوع آن) سود برده یا تمثیل یا نماد؟ در خلق صنایع ادبی تقلید کرده و یا آفرینشگر بوده است؟ شناخت عناصر بلاغی باعث شناخت ایدئولوژیکی متن میشود یا خیر؟» (سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روشها)، فتوحی: صص ۳۰۳ و ۳۰۴).

نویسنده رئالیست برای خلق جهان داستانش به جای ارائه واقعیت عینی، از قوه «تخیل» کمک میگیرد. به عبارت دیگر، «رئالیسم بیش از این که نوشته‌ای متکی بر تقلید صرف از واقعیت باشد، آفرینشی مبتنی بر ترکیب واقعیت و تخیل است» (پاینده، ۱۳۸۱: ص ۷۷). کاربرد آرایه‌هایی مانند تشبیه، استعاره، کنایه و دیگر عناصر خیال که هنرمند رئالیست با کاربست ظریف هر کدام در موقعیتهای لازم به آفرینش هنر داستان میپردازد، «ابعاد اجتماعی را در ساختار اثر داستانی حفظ میکنند. مشبه، مشبه‌به، وجه شبه و حتی ادات تشبیه دارای بافتی اجتماعی هستند و در جهت تحقق اهداف داستان پیش میروند» (کوچکیان، ۱۳۸۹: ص ۱۰۰). با مروری بر متن داستانهای اسماعیل فصیح میتوان گفت که

بسامد بالای صنایع معنوی نسبت به صنایع لفظی در رمانهای او، نشاندهنده توجه شاعر به ذهن و درون است و به دنبال معناست، نه ظاهر و فرم داستان.

۶-۳-۱- استفاده از تشبیه

در داستانهای فصیح ایماژها و تشبیهات ساده در بافتی عامیانه، اجتماعی و ملموس عرضه میشوند: «کارد انتظار» (در انتظار، فصیح: ص ۱۹)، «امروز نمیخواهم برگردم و به صورت هیولای سرتق گذشته نگاه کنم» (اسیر زمان، فصیح: ص ۳)، یا، «سرگرد مشغول میخواری میشود، و مثل سگ حسن دله مست میکند» (همان: ص ۷۱). «همچون مرده‌ای که زندگانی جاوید در روحش دمیده باشد» (خاک آشنا، فصیح: ص ۱۴۶). «دسام مٹ نی قلیون شده» (دل کور، فصیح: ص ۱۰۰) و صدها تشبیه دیگر.

۶-۳-۲- کاربرد کنایه

کاربرد مفهوم کنایی «سرهنگ چادر به سرِ خاک بر سر» (اسیر زمان، فصیح: ص ۲۳۸)، ترکیب «زمستان دلگیر و بد» در سطر «تسلیم شدن شهرناز گنجویپور به ازدواج با سرگرد ساواکی» (همان: ص ۷۱)، نشان تحقیر در «تراشیدن سرگرد موی سر شهرناز را» (همان: ص ۱۶) و موارد فراوان اینچنینی شیوه‌ای است که اسماعیل فصیح برای ترسیم بدبختی و تیره‌روزی مردم در دوران سرهنگ ساواکی ظالم [دوره ستمشاهی] به آن دست می‌یازد. آوردن عبارت «اینجا بُن‌بسته» (همان: ص ۲۳۸) از زبان سرهنگ نفیسی که بیان آشکار اعتراف سرهنگ به پایان زورگویی است. یا سیلی زدن علی به سرهنگ نفیسی و افتادن او از روی صندلی بر زمین (همان: ص ۴۱۲) که نشان از سقوط دوره شاهنشاهی در ایران دارد.

همچنین است «از کوره در رفتم» (شراب خام، فصیح: ص ۱۴۲)، کتک خوردن مدام ناصر از دیگران (همان: ص ۱۶۳) که بیانگر تحقیر ناصرها در دوران اوّل زندگی به دست زورمندان در جوامع جهان سومی به ویژه ایران عصر است. آرزو به دل ماندن او در نیل به آرمانهای هنری و اجتماعی خویش (یعنی رشد کردن تا تبدیل شدن به نویسنده شهیر جامعه‌اش) بیانگر سرکوب هنر و انرژی و به بازیچه گرفتن احساسات قشر نوباوه به دست سردمداران بی‌ذوق، کوتاه‌فکر و بی‌تفاوت یک جامعه است. رفتن ناصر از شهر به یک روستای دور افتاده و پناه بردن به بیغوله محروم، نشانه فرار افراد ژرفاندیش، هنرمند و دورنگر از محیطی نابسامان و عاری از عدالت است که در آن اهالی پاک و بی‌آلایش فضل و هنر را در جایگاه واقعی خود نمیشانند و دک میکنند. مرگ دردآور ناصر در روستا (همان: ص ۲۴۴) که در مفهوم نابودی و فنای صاحبان هنر و اندیشه است و در نهایت «روسری سیاه بر سر بستن

زها» (همان: ص ۱۴۱) نشان از سیاهبختی او دارد. نیز هر جا فصیح عبارت «الا یا آیها السّاقی» را (نمونه در گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۶۲)، در انتظار، فصیح: ص ۱۱۱ و...) این در حالی است که خیل مفاهیم کنایی معمول در زبان فارسی چون «شانه بالا میندازد» (همان: ص ۲۴)، در اغلب صفحات آثار این نویسنده مشهود است.

۶-۳-۳- استعمال استعاره

کاربرد استعاره نیز در متن داستانهای فصیح کم به چشم نمیخورد: فصیح در کاربرد مَثَل «از شاش موش، آسیاب نمیگرده» (اسیر زمان، فصیح: ص ۲۸)، موش را استعاره از علی انقلابی از دید سرهنگ بیان میکند. «سینه» در «کمی دورتر از رختخواب، روی فرش، سینه دیوار، پهلوی علی نشسته بودند» (دل کور، فصیح: ص ۹۸). یا استعمال «دیو» در «جمله‌ای در پایین این کارت تبریک است که مرا باز با همه اشتغالیهای ذهنی، به فکر میندازد: دیو قرار است به اهواز منتقل شود» (اسیر زمان، فصیح: ص ۸۲).

۶-۳-۴- استفاده از مجاز

همسو با سخن رومن یاکوبسن که «رنالیسم و به طور کلی نثر و داستان به قطب مجازی و شعر به قطب استعاری گرایش دارد» (منبع الکترونیکی موسوم به ارمغان مغان، به نقل از یاکوبسن ۱۳۸۵)، مجاز نیز در داستانهای فصیح بسامد بالایی دارد از جمله، «تهران داشت از خواب بیدار میشد» (شراب خام، فصیح: ص ۹)، «این حرفش هم خوشحالم کرده» (در انتظار، فصیح: ص ۵۴).

۶-۳-۵- کاربرد عناصر فولکلوریک، شعر و ضرب‌المثل

در این بخش میتوان به باورهای اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، ضرب‌المثلها و غیره اشاره کرد: - کاربرد ضرب‌المثل: «اسب تازی را ببندی گر زمانی پیش خرا رنگشان همگون نگردد طبعشان یکسان شود» (اسیر زمان، فصیح: ص ۲۸)، «شرقیها هم یک ضرب‌المثل دارند، وقتی کسی رو نجات دادی، او متعلق به توست، باید تا ابد از او نگهداری کنی» (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۵۴)، «هنر برتر از گوهر آمد پدید» (فرار فروهر، فصیح: ص ۴۱۰).

۶-۳-۶- کاربرد شعر و سخن آهنگین و عروض

در اغلب داستانهای فصیح از شعر و شاعری و نویسندگی سخن به میان آمده است که برای نمونه رمان «در انتظار» پر است از شعر پروین اعتصامی، حافظ و... به طوری که دست کم ۲۵ درصد از تمام سطور همین اثر را «شعر» تشکیل میدهد (رک در انتظار، فصیح). «زنبور، من که مُردم... گول چشماتو خوردم» (اسیر زمان، فصیح: ص ۲۷)، «فریدا بر وزن

نازیلا» (گردابی چنین هایل، فصیح: ص ۱۶۶). گویا از رسالت‌های او ترغیب حسّ مخاطبانش به شعر و عالم پر احساس شاعری بوده است: «پیرمرد [در لحظه مرگ] با حسرت گفت: «میدومی این همه سالها روح من از زندگی چی میخواست؟ آاهه دلم شعر میخواست. عشق که شعر بنویسم. دلم میخواست مثل خواجه حافظ شیراز کتاب شعر داشته باشم» (دل کور، فصیح: ص ۱۰۱).

۷- نتیجه

اسماعیل فصیح از پرکارترین داستان‌نویسان معاصر است که نزدیک به سی اثر داستانی نوشته، که عموماً واقع‌گرایانه است. پرداختن به تصویر دوران انقلاب و قبل از آن در ایران، ظلم‌های ساواک، حملات صدام به ایران، مظلومیت و شکنجه زنان، ذکر برخی وقایع تاریخی ایران و جهان، مباحثی در تعریف دین زرتشت، تقبیح عشرتطلبان متواری از وطن و در قبالتش تمجید مبارزان انقلابی و پاسداران میهن، ضرورت درک ارزش هنرمند و نویسنده در جامعه و... از مؤلفه‌هایی است که قلم فصیح در داستان‌نویسی به آن عادت دارد. به نظر او که مطالعات فراوانی هم در حیطه روانشناسی دارد، مرد اغلب ظالم، و زن در اغلب جوامع (چه ایران و چه در غرب) حقیقتاً مظلوم است. جبر بر اختیار غلبه دارد. اکثریت انسانها به دست اقلیتی از قدرتمندان وابسته به دولتها اسیرند و خلاصه، عموم آدمیان در حسرت آزادیند. فصیح در بین همه مباحث و مضامینش عشق را عنصری محبوب، جاری و همیشه حاضر در کار و بار و گیر و دار آدمیان میداند. فصیح چنین مباحثی را با سبک‌های خاص خود از جمله کاربرد مداوم واژگان لاتین، تکرار محسوس برخی کلمات و اصطلاحات، با تلمیح به انواع ضرب‌المثلها، با زیور صور خیال و با تضمین اشعار شاعران مشهور، گاه با زبان معیار و گاه به شکل محاوره به قلم میاورد و بر این است که کتاب و کتابخوانی میتواند از مهمترین چاره‌ها برای خلاص بشریت باشد.

در سبک‌شناسی زبانی فصیح، استفاده مساوی از زبان معیار و زبان محاوره، کاربرد برخی واژه‌های و اصطلاحات تکراری بسامد بسیار زیادی دارد. همچنین بسامد پرداختن به لغتشناسی و استعمال واژه‌های لاتین زیاد است و کاربرد انشای کاریکاتوری و قالب طنز به همراه استعمال برخی صورتهای زبانی بدیع نیز کمابیش خودنمایی میکند.

در سبک‌شناسی ادبی نیز تشبیه و کنایه نمود بسیار زیادی دارد و مجاز و استعاره نیز کمابیش دیده می‌شود. همچنین فصیح از عناصر فولکلوریک، شعر و ضرب‌المثل به حد بسیار زیادی در متن داستانهایش استفاده میکند و سخن آهنگین و موارد مربوط به عروض

هم کمابیش کاربرد دارد. بیان اعتقادات مذهبی نیز بسامد بسیار زیادی دارد. آداب و رسوم و اعتقادات فرهنگی و اجتماعی نیز زیاد دیده میشود.

منابع و مأخذ

- ۱- اسیر زمان، فصیح، اسماعیل، ۱۳۸۸، چاپ نهم، تهران، نشر آسیم.
- ۲- بازتاب اجتماع و رئالیسم سوسیالیستی در سالهای ابری، اثر علی‌اشرف درویشیان، کوچکیان، طاهره، قربانی، خاور، ۱۳۸۹، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، دوره ۵۳، شماره ۲۲۰، صص ۸۵ تا ۱۰۵.
- ۳- بررسی نهضت رئالیسم در داستانهای کوتاه فارسی و اردو، کیومرثی، محمد، ۱۳۸۹، مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان، سال ۱۵، شماره ۵۹، صص ۷۵ تا ۸۶.
- ۴- خاک آشنا، فصیح، اسماعیل، ۱۳۷۰، چاپ دوم، تهران، نشر مروی.
- ۵- داستان‌نویسان معاصر ایران، قاسمزاده، محمد، ۱۳۸۳، چاپ اول، تهران، نشر هیرمند.
- ۶- درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی، بینیا، فتح‌الله، ۱۳۹۲، چاپ سوم، تهران، انتشارات افراز.
- ۷- در انتظار، فصیح، اسماعیل، ۱۳۸۹، چاپ سوم، تهران، نشر پیکان.
- ۸- دل کور، فصیح، اسماعیل، ۱۳۶۸، چاپ دوم، تهران، انتشارات نشر نو.
- ۹- رئالیسم پویا در آثار جلال آل احمد، دهقانی، محمد حسین، ۱۳۸۳، چاپ اول، قم، صحیفه معرفت.
- ۱۰- رئالیسم، گرانت، دیمیان، ۱۳۷۹، ترجمه افشار، حسن، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز.
- ۱۱- رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات، پرهام، سیروس، ۱۳۶۲، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
- ۱۲- سبک‌شناسی داستان‌های کوتاه ابوالقاسم پاینده، نصر اصفهانی، محمدرضا، طلائی، مولود، ۱۳۹۰، مجله فنون ادبی دانشگاه اصفهان، سال ۳، شماره ۱، صص ۹۳ تا ۱۱۲.
- ۱۳- سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روشها)، فتوحی، محمود، ۱۳۹۰، تهران، سخن.
- ۱۴- سیمین دانشور، شهرزادی پسامدرن، پاینده، حسین، ۱۳۸۱، مجله متن‌پژوهی ادبی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۵، صص ۷۲ تا ۸۱.
- ۱۵- شراب خام، فصیح، اسماعیل، ۱۳۷۰، چاپ سوم، تهران، نشر البرز.

- ۱۶- شراب خام و باده کهن، یارشاطر، احسان، ۱۳۷۳، نشریه کک، شماره ۵۵ و ۵۶، صص ۲۶۸ تا ۲۷۶.
- ۱۷- شیوه تحلیل رمان، پک، جان، ۱۳۶۶، ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز.
- ۱۸- صد سال داستان‌نویسی ایران، میر عابدینی، حسن، ۱۳۷۷، چاپ اول، تهران، نشر چشمه.
- ۱۹- عمل نقد، بلزی، کاترین، ۱۳۷۹، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر قصه.
- ۲۰- فرار فروهر، فصیح، اسماعیل، ۱۳۷۸، چاپ ششم، تهران، نشر البرز.
- ۲۱- کارنامه نثر معاصر، عبداللّه‌یان، حمید، ۱۳۷۹، تهران، انتشارات پایا.
- ۲۲- گردابی چنین هایل، فصیح، اسماعیل، ۱۳۸۲، چاپ دوم، تهران، نشر پیکان.
- ۲۳- مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران، حقوقی، محمد، ۱۳۷۷، چاپ اول، تهران، قطره.
- ۲۴- مکتبهای ادبی، سید حسینی، رضا، ۱۳۹۱، جلد اول، چاپ ۱۷، تهران، انتشارات نگاه.
- ۲۵- مهم‌ترین وجوه سبک‌شناختی داستانهای احمد محمود، پیروز، غلامرضا، ملک، سروناز، ۱۳۸۹، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۶۷ تا ۱۸۴.
- ۲۶- نظری اجمالی به آثار اسماعیل فصیح (۱)، آجاکیانس، آناهید، ۱۳۷۸، نشریه نامه فرهنگستان، شماره ۱۴، صص ۱۰۱ تا ۱۱۷.
- ۲۷- نظری اجمالی به آثار اسماعیل فصیح (۲)، آجاکیانس، آناهید، ۱۳۷۹، نشریه نامه فرهنگستان، شماره ۱۵.
- ۲۸- نظری اجمالی به آثار اسماعیل فصیح (۳)، آجاکیانس، آناهید، ۱۳۷۹، نشریه نامه فرهنگستان، شماره ۱۶.
- ۲۹- نظری اجمالی به آثار اسماعیل فصیح (۴)، آجاکیانس، آناهید، ۱۳۸۰، نشریه نامه فرهنگستان، شماره ۱۷.
- ۳۰- نظری اجمالی به آثار اسماعیل فصیح (۵)، آجاکیانس، آناهید، ۱۳۸۰، نشریه نامه فرهنگستان، شماره ۱۸.
- ۳۱- نظری اجمالی به آثار اسماعیل فصیح (۶)، آجاکیانس، آناهید، ۱۳۸۱، نشریه نامه فرهنگستان، شماره ۱۹.
- ۳۲- نقد و تحلیل وجوه تمایز و تشابه اصول کاربردی مکتب‌های ادبی رئالیسم و ناتورالیسم، رادفر، ابوالقاسم، حسنزاده میرعلی، عبدالله، ۱۳۸۳، پژوهش‌های ادبی، شماره ۳، صص ۲۹ تا ۴۴.